

داستایوفسکی و نشانه‌های ناآرامی^۱

ترجمه قدرت‌الله مهدی

۱۱۹ داستایوفسکی، این «موجد سترک ادبیات نو» تنها به خاطر ابله، جنایت و مکافات یا برادران کارامازوف بدین عنوان ممتاز نگردیده است. به سال ۱۸۶۴، در متنی که به تناوب آوای زیرزمین، خاطراتی از تشکیلات زیرزمینی، جزوه‌های تحت‌الارض نامیده شدند «پرسوناژ»ی و «فرم» حدیث بانفس و تک‌گویی‌ای را ابداع کرد که پژواک آن را در آبی آسمان اثر ژرژ بتی^۲، عصر انسان اثر میشل لریس^۳، پُرچانه اثر لویی رنه دفوره^۴، سقوط اثر آلبر کامو باز می‌یابیم. در آن متن پرسوناژی ناآشنا و غریب به زبان اول شخص سخن می‌گوید و خویشتن را، بانوعی رضایت مندی به سیاه‌ترین خصوصیات وصف می‌کند....

«من مردی بیمارم... من مردی بدنهادم»... چنین است بینشی که آن شخصیت ناآرام از خود نقش می‌کند؛ شخصیتی که - با تفاوت‌هایی - در نزد بتی با نام تروپمان، در نزد لریس با نام میشل و در نزد کامو با نام کلامانس بار دیگر ظاهر می‌شود. کسی که کامو «مردی از زمانه ما» می‌نامدش از چه بیماری‌ای رنج می‌برد؟ پاره‌ای از نشانه‌های بیماری او و برخی از جوانب رفتارش یادآور «حالت روان بیمارانه بدنی»^۵ ای است که چند سال پس از انتشار

متن داستایوفسکی، روان پزشکان بانام «پارانویا» [کژاندیشی] آن را وصف کردند.

این سخن بی ضابطه گویی تنها پاسخ ممکن است به زندانیان با اعمال شاقه، به جنگ، و به دلشوریدگی ناشی از وضعی تحمل ناپذیر و همچنین ناشی از «زمینی که در صدد دگرگونی نظم خود است»، و نیز به دلشوریدگی ناشی از جهانی است که - به بیان مارگریت دوراس - روبه تباهی می رود... این سخن آنگاه که فرانسیس مارمانده، پیوندهای میان جزوه‌های تحت الارض با خط و خطوط آبی آسمان را به اثبات می‌رساند بر زبان او نیز می‌رود. پرسوناژ زائیده تخیل داستایوفسکی برای آنکه همه دیوانگی‌های جهان را به خود ببندد به شیوه‌ای تبخترآمیز از مشکلات خویش در زیستن به گونه‌ای متعارف یاد می‌کند. وی نیازی سرکوب ناشدنی به بیان اعترافات درونی را به منصفه ظهور می‌رساند اما در همان حال هیچ نیازی به ابراز پشیمانی در خود احساس نمی‌کند. دلمشغولی آن را دارد که مبادا کسی درباره‌اش به قضاوت بنشیند اما خود او با همچنان دور از درک و فهم مردمان ماندن و انکار اظهارات نخستین خویش و با بازی کردن روی حقیقت و مجاز، قضاوت دیگران درباره‌اش را غیر ممکن می‌سازد. «ماشین» استدلال راوی که بر اساس رکاکت و زشتی زبان او بنا شده - با این نیت که بدون نگرانی از عواقب کار روند «روان پالایی» و خالی کردن هیجان‌ات درونی را تا به آخر بپیماید - توازن خواننده را برهم می‌زند.

شکل روایت بی وقفه تغییر می‌کند: گاه طنز آمیز، گاه نیشدار، گاه پر خاشگر و گاه نومیدانه است. شیوه‌های عقلانی - بویژه آنگاه که پای زنان در میان باشد - بر

زبان شهوی نفرت‌انگیزی

طرح از لوستن.

استوارند، زیرا تحقیر و سنگدلی هر برخورد واقع‌گرایانه‌ای را ناممکن می‌سازند. بدگمانی سایه



سنگین خود را بر رفتار دیگران می‌گسترده و آنوقت است که کوچکترین کارهای آنان دستخوش تعبیر و تفسیر می‌گردد... و چنین است که «پرسوناژ» داستان در رویارویی با نیات و قصد و خواستی که، به زعم خودش، دیگران در به مکافات رسانیدن و بی‌حرمتی او دارند پاسخ خود را از پیش آماده دارد. آنگاه او خویشتن را در وضعیتی قرار می‌دهد که خصلت غیرقابل دفاع موقعیت‌اش را تشدید می‌کند و اطرافیان خود را و ادار می‌سازد تا دست رد بر سینه‌اش بزنند و به خود او حجتی می‌دهد تا خویشتن را خوار شمارد. خواننده را و ادار می‌کند تا بپذیرد که او - آنگاه که بر دوگانگی منش انسانها، بر ماهیت چاره‌ناپذیر سببیت خویش، بر انزوایش، و بر وسعت خلاء و نبود هرگونه امکانی برای رستگاری‌اش پای می‌فشارد - بر حقیقت دست یافته است.

این شخصیت والا و برجسته‌ای که همچو بفهمی - نفهمی به شکلی از پارانوایا و کژاندیشی مبتلاست برآستی کیست؟ در مورد همسانی میان نویسنده با شخص راوی و نیز در مورد پرسشی که موريس بلانشو^۱ در قبال «خود زندگینامه»ی ادعایی میشل لریس مطرح می‌کند در جای جای این نوشته‌ها نوعی بی‌تصمیمی و تزلزل دیده می‌شود. جایگاه این «من»ی که می‌نویسد و به نام «من»ی که سخن از زبان اوست می‌نویسد چگونه جایگاهی است؟ در رویارویی با امور درک ناشدنی و امور دست نیافتنی جهان، آخرین یقینات بر گرد یک «خود» با هویتی نامشخص استوارند که بینش منفی و ویرانگر آن نیرویی و حضوری ادبی در آثار بنیادی دنیای «نوگرایی و مدرنیته» بدست می‌آورد؛ هیچیک بر زمینه مرگ پایان نمی‌یابد بلکه بر باور به یک تداوم یا باور به یک راه نو پایان می‌گیرد. ♦ ♦

1. Dostoievski, Les Symptômes de mal-être, Alette Arnel
2. Georges Bataille
3. Michel Leiris
4. Louis René Des Forets
5. Francis Marmande
6. Maurice Blanchot



عشق و علم از آنی که خداوند
آل جابح

JEAN JACQUES POTIN

de Vite